

دوفصلنامه علمی-ترویجی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)
سال دوازدهم / دوره جدید / شماره ۴۷ / بهار و تابستان ۱۳۹۶
صص ۱۴-۲۴

مناسبات علم و فرهنگ امامیه وزیدیه

• محمد دهقانی

دکترای شیعه شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب

mdehqan23@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۳۱

چکیده

دادوستد علمی در تمامی سطوح باعث پویایی، تقویت و شکوفایی اندیشه‌ها می‌شود. در طول تاریخ شیعه، دو شاخه امامیه و زیدیه مراودات علمی و فرهنگی زیادی با یکدیگر داشته‌اند. اشتراکات و تعامل آنها هم‌گرایی به دنبال داشته و آنها را نیرو بخشیده است. تاریخ این دو بسیار به هم آمیخته و به هم تنیده است؛ این حکم به‌ویژه درباره زیدیه سده‌های نخستین آشکارتر است. وجوه اشتراک فراوان در بین این دو فرقه باعث هم‌گرایی آنها و گسترش آموزه‌های تشیع شده است؛ گرچه هر دو فرقه همواره جهت جذب پیروان یکدیگر کوشیده‌اند. در این تحقیق با رویکردی توصیفی - تحلیلی به تعامل علمی و فرهنگی دو فرقه با یکدیگر پرداخته می‌شود و نتایج این تعامل در شکوفایی علمی و فرهنگی آنها بررسی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: زیدیه، امامیه، تعامل علمی، هم‌گرایی، واگرایی.



۶

مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی

سال دوازدهم
شماره ۴۷ - بهار و تابستان ۱۳۹۶

مقدمه

ضروریات دین می‌دانند. آنها از ظرفیتهای فکری، کلامی، فقهی و حدیثی یکدیگر استفاده کرده‌اند. نزدیکی تفکر زیدیه به شیعیان اثنی عشری شایسته توجه است. زیدیه به نسبت اسماعیلیه - شاخه معروف دیگر شیعه - به امامیه نزدیک‌ترند. عالمان و اندیشمندان زیدی و امامی در کوفه، بغداد، ری و دیگر شهرها بر درس یکدیگر حاضر می‌شدند و بدین‌گونه میراث یکدیگر را در محافل خود منتقل می‌کردند. گاه تعامل میان این دو کم‌رنگ شده یا حتی از بین رفته و جای آن را رقابتی منفی گرفته است. تعامل علمی آنها به صورت استاد - شاگردی عالمان دو فرقه، استفاده از کلاس درس یکدیگر و مناظره علمی بوده است.

نهج البلاغه و صحیفه سجادیه جزء میراث مشترک میان امامیه و زیدیه است. زیدیه به علمای شیعه علاقه‌مند بودند و حتی برخی از بزرگان زیدی کوشیده‌اند سید رضی را زیدی معرفی کنند. با وجود شباهتهای زیاد بین این دو فرقه، در مواردی مانند امامت، تقیه، مهدویت و مباحث غیبت امام زمان (عج)، زیدیه با امامیه مباحثی جدی مطرح کرده‌اند. در این پژوهش با توصیف و تحلیل دادوستدهای علمی و فرهنگی این دو فرقه، تعامل سازنده آنها را به‌عنوان نمونه‌ای موفق در نزدیکی فرقه‌ها و تقویت آنها، بررسی می‌کنیم.

زیدیه پس از شهادت زید بن علی شکل گرفت و بر امامی بودن شخص زید و بر خورداری او از مکتب اهل‌بیت تأکید شده است. زید بن علی از منبع غنی ائمه شیعه از جمله پدر بزرگوار و سپس برادر خود امام باقر (ع) بهره گرفت و همچنین در مدت کوتاهی نزد امام صادق (ع) شاگردی کرد.^۱

در این پژوهش با توجه به نیاز مبرم جامعه جهانی به وحدت ادیان و مذاهب و به‌منظور به حاشیه کشاندن اندیشه‌های افراطی، نمونه‌ای از تعامل دو

زیدیه، پس از قیام زید بن علی (ع) (۱۲۲ق) شکل گرفت؛ زیدیه در اصطلاح به شیعیانی گفته می‌شود که پس از اعتقاد به برحق بودن امام نخست، امامت را منحصر در فرزندان امام حسن و امام حسین (ع) دانسته و معتقدند: هرکس شرایط امام را داشته باشد و مردم را به امامت خود دعوت کند و علیه ظلم و ستم قیام نماید، امام خواهد بود. از همین روی آنان پس از امام حسین (ع)، به امامت زید بن علی بن حسین (ع) گرایش پیدا کردند و خود را پیرو او می‌دانند.^۱

زید بن علی (ع) از نظر علم و دانش، تقوا و شجاعت، از بزرگان اهل‌بیت و مورد احترام آنها بود؛ از منابع غنی ائمه استفاده می‌کرد و همین امر برای او جایگاهی علمی به ارمغان آورده بود. امام صادق (ع) در مورد ایشان می‌فرماید: «خداوند زید را رحمت نماید که او عالمی درست‌گفتار بود».^۲ در جای دیگر امام صادق (ع) از زید با القاب عارف و دانشمند یاد می‌کند و می‌فرماید: «او مردی باایمان، عارف، دانشمند و درستکار بود».^۳

امامیه و زیدیه به‌عنوان دو شاخه مهم شیعه در طول تاریخ با یکدیگر تعامل علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی فراوانی داشته‌اند. امامیه و زیدیه به دلیل نزدیکی در اندیشه‌های فکری و اعتقادی در مباحثی چون توحید، معاد، نبوت، امامت، اصل مرجعیت اهل‌بیت، خلافت و جانشینی حضرت علی (ع) و در مسائل کلامی و اعتقادی متعددی با یکدیگر دادوستد علمی و فرهنگی داشته‌اند. آنها با وجود اختلاف‌نظر درباره نص در امامت، صفات امام، افضلیت ائمه و تعداد امامان، نصب امام را در هر زمان واجب دانسته و امامت را از جمله

۱. فرق الشیعه، ص ۵۴.

۲. الغدیر، ج ۳، ص ۷۰.

۳. همان.

۴. الحیاة السیاسیة و الفکریة للزیدیه فی المشرق الاسلامی، ص ۳۹.





شاخه مهم شیعه در طول تاریخ بررسی می‌شود، تا با برشمردن مصادیق و نتایج این تعامل، الگویی جهت تعامل سایر اندیشه‌ها و مذاهب مختلف در عصر حاضر ارائه دهیم. بی‌گمان تعامل و مراودات علمی و فرهنگی در میان ادیان و مذاهب مختلف و آشنایی هر چه بیشتر نسبت به افکار و اعتقادات یکدیگر می‌تواند بسیاری از زمینه‌های اختلاف و تفرقه را از بین ببرد و وحدت واقعی را رقم بزند.

پیشینه تحقیق

در خصوص امامیه و زیدیه پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است و در اغلب آنها به فعالیتهای سیاسی آنها، تاریخچه زیدیه و عقاید و اندیشه‌های آنان پرداخته شده است. برخی از پژوهشهایی که در خصوص مناسبات علمی و فرهنگی آنها انجام شده عبارت‌اند از:

مقاله «تعاملات علمی و فرهنگی زیدیه و امامیه در عصر صادقین (ع)» نوشته صفری فروشانی که در شماره ۲۰ مجله تاریخ و تمدن اسلامی منتشر شده که در آن به مناسبات زیدیه با شیعیان طرفدار نص پرداخته شده است. مقاله دیگری نیز از صفری فروشانی وجود دارد که در آن به تعامل امام رضا(ع) با زیدیه پرداخته و در شماره ۱۳ فصلنامه تاریخ اسلام در سال ۱۳۹۱ به چاپ رسیده است. در این مقاله بیشتر به دیدگاههای امام رضا(ع) درباره شخصیت زید بن علی و قیامهای علویان در عصر امام رضا(ع) و دفاع از زید در مقابل زیدالنار پرداخته شده است.

مواجهه امامان صادق با زیدیان عنوان تحقیق دیگری است که تحت عنوان رساله دکتری، حسین عرب‌نژاد آن را به انجام رسانده و در ضمن آن به‌طور تفصیلی به دیدگاه امام باقر(ع) و امام صادق(ع) درباره قیام زید پرداخته و همچنین تفکرات دو فرقه را مورد بحث و بررسی قرار

داده است. ایشان این رساله را در سال ۱۳۹۰ در دانشگاه ادیان و مذاهب نگاشته است.

تأثیر حدیث زیدیه بر حدیث امامیه عنوان رساله دکتری دیگری است که در سال ۱۳۹۰ در دانشگاه قم دفاع شده است؛ این رساله به موضوعاتی چون شرح حال راویان زیدی، ابعاد روایات آنها، بیان اعتقادات و چگونگی تأثیر راویان زیدی بر منابع روایی امامیه پرداخته است.

وجه تمایز این تحقیق با موارد بیان شده در این است که هدف این پژوهش بیان موارد برجسته تعامل امامیه با زیدیه است که در ضمن این تعامل هردو گروه توانستند از ظرفیتهای یکدیگر بهره برند.

بهره‌گیری علمای زیدی از ائمه شیعه

در خصوص تعامل فرقه‌های مذهبی بی‌گمان رهبران و بزرگان آنها در نوع ارتباط پیروان آن فرقه‌ها نقش اساسی را دارند. زمینه‌های مختلف علوم حدیث، تفسیر، تاریخ و سیره و همچنین استفاده‌های علمی رهبران زیدیه از مکتب اهل بیت با حضور بر سر درس آنان، آشکارترین جلوه تعامل فرهنگی میان آنان به شمار می‌رفته است. گرچه زیدیان به امامت امامان شیعه - جز سه امام نخست - معتقد نبودند ولی بسیاری از علمای زیدیه در عصر حضور ائمه شیعیان امامی از وجود آنها بهره برده و از علوم و معارف آنها استفاده کرده‌اند؛ زید بن علی شاگرد امام باقر(ع) بود و نزد ایشان کسب علم کرده است؛ ابوالجارود^۵، ثابت بن هرمز^۶، حکم بن عتیبه و سلیمان بن خالد^۷ از شیعیان زیدی هستند که نزد امام باقر(ع) و امام صادق(ع) شاگردی کرده‌اند.

۵. الذریعه، ج ۴، ص ۲۵۱.

۶. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷.

۷. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۵۲.



حضرت نقل کرده‌اند. ابوالجارود در این کتاب روایات فراوانی از امام باقر(ع) نقل کرده است. در منابع روایی امامیه، روایتی هست که در سلسله سند آن ابوالجارود نیز دیده می‌شود.^{۱۳}

احمد بن عیسی بن زید بن علی از عالمان و شخصیت‌های برجسته زیدی است که در سال ۱۵۷ق به دنیا آمده است. احمد از اصحاب امام جواد و امام هادی(ع) به شمار می‌آید، اما چون در قم زندگی می‌کرد، تنها گاه‌گاهی این دو امام را ملاقات کرده، و بدین جهت احادیث چندانی از آنان روایت نکرده است.^{۱۴} در روایتی که کشی^{۱۵} نقل کرده، احمد زمانی، به دستور امام جواد(ع)، در مدینه خدمت امام رسیده است؛ در این روایت تصریح شده که وی از سوی ایشان نامه‌ای برای زکریا بن آدم، نماینده امام جواد(ع) در قم برده است. در روایت مذکور، کنیه احمد به صورت ابوعلی آمده است. مهم‌ترین کتاب احمد بن محمد بن عیسی کتاب «النوادر» است که از آثار معتمد امامیه است و از منابع حدیثی آنان به شمار می‌آید. مقام علمی ائمه امامیه، همواره زیدیه را به خود می‌کشاند و به یاری همین دانش گسترده‌شان بود که آنها را از آسیبها و انحرافات فکری آگاه می‌کردند. صادقین(ع) به علمای زیدی سفارش می‌کردند که از نزدیک شدن به نحله‌های فقهی اهل سنت یا حضور در کلاس درس افرادی چون واصل بن عطا که باعث دوری آنها از حقیقت می‌شود خودداری کنند.^{۱۶}

استفاده علمای زیدی از ائمه و بزرگان امامیه بر رشد و شکوفایی ایشان تأثیر فراوانی داشت؛ آنها با تعامل علمی، به‌خصوص با طرح مباحث جدید، بر غنای علمی خویش افزودند. در کنار این نوع تعامل، تقابلهایی هم بوده است و در این

سلیمان بن خالد در شمار اصحاب و یاران و دانش‌آموختگان مکتب امام باقر(ع) بود که بعد از شهادت امام باقر(ع)، نزد امام صادق(ع) رفت و چندین سال را هم در محضر آن امام شاگردی کرد و به کسب حدیث پرداخت و در شمار اصحاب برگزیده آن امام بزرگوار قرار گرفت. او، با اینکه در مکتب اهل بیت پرورش یافته بود، از شرکت‌کنندگان در قیام زید بود.^۸ وی در هنگام پیوستن به سپاه زید در پاسخ شخصی که از او درباره زید و امام صادق(ع) پرسید، امام صادق(ع) را برتر از زید دانست و او را، در شناخت محرمات، برتر و آگاه‌تر از زید بن علی می‌دانست و برای مسائل مختلف به امام صادق(ع) مراجعه می‌کرد.^۹

امام زیدی، یحیی بن عبدالله محض و ناصر اطروش از دیگر بزرگان زیدی‌اند که نزد امامان شیعه شاگردی کرده‌اند. یحیی بن عبدالله محض نزد امام صادق(ع)^{۱۰} شاگردی کرده است. برخی از منابع به شاگردی ناصر اطروش نزد امام هادی(ع) و امام عسکری(ع) اشاره کرده‌اند.^{۱۱}

یکی دیگر از بزرگان زیدیه که از منبع غنی علم ائمه بهره برده است، ابوالجارود است. ابوالجارود از شاگردان و راویان امام سجاده(ع)، امام باقر(ع) و امام صادق(ع) بود.^{۱۲} هرچند که دیگر مؤلفان کهن امامیه تنها به روایت حدیث ابوالجارود از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) اشاره کرده‌اند و نقل کرده‌اند که ایشان در تفسیر قرآن، از امام باقر(ع)، کتابی دارد. ابن ندیم این کتاب را «کتاب الباقر محمد بن علی» نامیده است و آن را به امام باقر(ع) نسبت داده و گفته است که آن را ابوالجارود و زیاد بن منذر، رئیس فرقه جارودیه زیدیه، از آن

۸. رجال النجاشی، بابهای ۱۳۸ و ۴۸۴.

۹. همان.

۱۰. مقاتل الطالبیین، صص ۳۰۸ و ۳۰۹.

۱۱. «تصحیح یک سند در آثار صدوق»، ص ۴۵.

۱۲. الذریعه، ج ۴، ص ۲۵۱.

۱۳. الفهرست، ص ۳۶.

۱۴. رجال النجاشی، ص ۳۳۸.

۱۵. معرفة الرجال، ص ۵۹۶.

۱۶. تنبیه دلائل النبوه، صص ۱۴۳ و ۱۴۴.



تقابلها و دوری از فضای گفتمان علمی فرصتهای مغتنمی برای تقویت بنیه علمی علما و بزرگان دینی از بین رفته است. بی‌گمان اگر علما و بزرگان نسبت به یکدیگر گذشت داشتند و خویشتن‌داری پیشه می‌کردند و نیرویی را که برای تقابل و نزاع با یکدیگر به کار می‌بردند، در راستای تعامل و دادوستد علمی و فرهنگی به کار می‌گرفتند و زمینه بهره‌برداری از ظرفیتهای و توانمندیهای را برای هم فراهم می‌کردند، نتایج بسیار مفیدی را در پی می‌داشت.

استفاده علمای امامی از علمای زیدیه

در طول تاریخ، منابع زیدی یکی از منابع مراجعه علمای امامیه بوده است. علی بن ابراهیم قمی، در تفسیر خود که به نام تفسیر القمی معروف است و یکی از تفاسیر معروف امامیه به شمار می‌آید، از تفسیر ابوجارود قولهای فراوانی را نقل کرده است.^{۱۷} سید بن طاووس، از عالمان بزرگ شیعه، هم از آثار علمای زیدی مذهبی چون یحیی بن حسین بن هارون معروف به ابوطالب کبیر،^{۱۸} ابوالقاسم بستنی^{۱۹} و ناصر اطروش^{۲۰} بهره برده است؛ این عقده، از علمای زیدی، برای همه اصحاب حدیث و محدثان امامیه قابل اعتماد بوده است و به‌عنوان یکی از راویان آثار رجال امامی شناخته می‌شود. گروه زیادی از برجسته‌ترین اصحاب امامان(ع) در محضر سلیمان بن خالد، از علمای زیدیه، که خود شاگرد امام باقر(ع) و امام صادق(ع) بود، حضور می‌یافتند و از اندوخته‌های روایی او بهره می‌بردند. در اینجا به نام گروهی از آنها اشاره می‌شود: ابویوب خزّار، عبدالله بن بکیر، عبدالله بن مسکان، جمیل بن درّاج، عبدالرحمن بن حجّاج، هشام بن

سالم، یونس بن یعقوب، یونس بن عمار و جمیل بن صالح.^{۲۱} ابوالفضل محمد بن احمد جعفی کوفی از علمای زیدیه بود که در مصر اقامت داشت و تعداد زیادی از علمای امامی شاگردش بودند^{۲۲} و برای حضور در کلاس درس او و شنیدن حدیث عازم مصر می‌شدند.^{۲۳} ابوزید علوی دانشمندی زیدی با گرایش اعتزالی بود؛ در ناحیه ری ساکن بود و همواره با علمای امامیه مناظره داشت. در برخی منابع ذکر شده است که ایشان در تحول اعتقادات علمای امامی در منطقه ری نقش بسزایی داشته است.^{۲۴}

در عصر آل‌بویه (که در مورد امامی یا زیدی بودن آنها دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد) به دنبال فضای باز فرهنگی و دادوستد علمی بین فرقه‌ها و اندیشه‌ها، علمای امامی با علمای زیدی پیوندهای گسترده‌ای برقرار کرده بودند. این ارتباط و تبادل هم‌گرایی و هم‌سویی را بدانجا رساند که زیدیه‌ها قول به امامت مفضول در انتخاب خلیفه اول را کنار گذاشتند و در این خصوص نظرشان با امامیه یکی گردید. درباره صحابه نیز همانند امامیه قضاوت کردند.^{۲۵} اینها همه در اثر ارتباط وسیع آنها با امامیه و بحث و تبادل نظر با آنها به وجود آمده بود.

استفاده منابع روایی زیدی از منابع شیعی

منابع روایی زیدیه تا آنجا از روایات ائمه معصوم شیعه بهره جست‌ه‌اند که گاه احادیث مرسل ائمه شیعه را در کتابهایشان آورده‌اند؛ ناصر اطروش در الاحتساب - کتابی فقهی درباره امور حسبیه - روایات زیادی از امام سجّاد(ع)، امام باقر(ع)، امام

۲۱. جامع الرواة، ج ۱، ص ۳۷۸.

۲۲. ذکری الشیعه، ج ۱، صص ۱۱۵ و ۲۶۲.

۲۳. لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۲۵.

۲۴. المصابیح، ص ۴۵.

۲۵. الملل والنحل، ج ۱، ص ۱۵۶.

۱۷. تفسیر القمی، ج ۱، صص ۱۰۲، ۱۹۸، ۲۲۴ و ۲۷۱.

۱۸. کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او، ص ۱۸۲.

۱۹. «ابن الشرفیه و کتاب عیون الحکم و المواعظ»، ص ۳.

۲۰. کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او، صص ۳۳۵ و ۳۳۶.



صادق(ع) و امام کاظم(ع) نقل کرده است.^{۲۶} عقیف الدین علی بن محمد بن صنعانی، دانشمند زیدی، از ابوالحسن اسدی حلی (سده هفتم و هشتم هجری)، عالم و دانشمند برجسته امامی، روایتهای زیادی نقل کرده است. المنصور بالله عبدالله بن حمزه، پیشوای برجسته زیدیه یمن (د ۶۱۴ق) و حسام الدین حمید بن احمد محلی شهید (د ۶۵۲ق)، متکلم و مورخ زیدی، در آثار خود، از نوشته‌های بهاء الدین علی بن احمد بن حسین الاکووع بهره برده‌اند.^{۲۷} المنصور بالله عبدالله بن حمزه، از رهبران زیدیان یمن، از کتاب ابوعبدالله محمد بن ابراهیم کاتب نعمانی احادیث بسیاری درباره حضرت ولی عصر(عج) نقل و نقد کرده است. وی همچنین از کتابهای الشافی، الذخیره سید مرتضی،^{۲۸} الغرر و الدرر، الأمالی، تنزیه الأنبیای شریف مرتضی، تفسیر ابن عبدک (عبدکی) و تفسیر ابوجعفر طوسی (التبیان) یاد می‌کند.^{۲۹} وی همچنین از کتاب التحریف و التبديل (التنزیل و التحریف) برقی یاد کرده و از آن احادیث بی‌شماری نقل کرده است؛^{۳۰} وی این احادیث را برای نقد احادیث تفسیری امامیه و ادعای این تفاسیر درباره وقوع تحریف در قرآن، نقل کرده و سپس به بررسی آنها پرداخته است. وی همچنین از کتاب التحریف احمد بن ابی عبدالله برقی، فرزند محمد بن خالد برقی، نیز روایت نقل کرده است.^{۳۱}

استفاده منابع روایی شیعه از منابع زیدی

منابع روایی شیعه از راویان و منابع زیدی استفاده می‌کرده‌اند و بسیاری از راویان زیدی نزد علمای شیعه از راویان معتد و ثقه بوده‌اند. ابن داود حلی در کتاب رجال خود از ۲۵ نفر از علمای زیدی نام می‌برد که از راویان حدیث بوده‌اند و از طریق آنها بسیاری از روایات ائمه شیعه اثنی‌عشری به منابع روایی شیعه راه یافته است.^{۳۲}

ابان بن تغلب، از علمای مشهور سده دوم

۲۶. البساط، ص ۷۵.

۲۷. «ابن الشرفیه و کتاب عیون الحکم و المواعظ»، ص ۱۲.

۲۸. العقد الثمین، ص ۱۳۱.

۲۹. همان، ص ۱۵۲.

۳۰. همان، صص ۱۵۲ و ۱۵۴.

۳۱. رجال النجاشی، ص ۷۶.

۳۲. العقد الثمین، ص ۱۵۳.

۳۳. رجال النجاشی، صص ۱۱۵ و ۱۱۶.

۳۴. العقد الثمین، صص ۱۸۷ و ۱۵۷.

۳۵. الارشاد، ج ۲، ص ۱۷۳.

۳۶. رجال، ص ۲۹۱.



هجری، محضر امام سجاد(ع)، امام باقر(ع) و امام صادق(ع) را درک کرده است و از سلمه بن کهیل، از بزرگان زیدیه، حدیث نقل کرده است.^{۳۷} راویان زیدی بخش قابل توجهی از روایت در خصوص حضرت علی(ع)، امام حسین(ع) و مهدویت را به شیعه امامی رسانیده‌اند. این از آن روی است که وجوه اشتراک میان امامیه و برخی از فرقه‌های زیدیه، در خصوص مسئله امامت چشمگیر است.^{۳۸} زیدیه در دفاع از اندیشه خود، مبنی بر وجود نص بر امامت حضرت علی(ع)، بر غدیر^{۳۹} و برتری حضرت علی(ع) بر شیخین^{۴۰} تأکید کرده‌اند و خطبه‌های حضرت را نقل کرده‌اند.^{۴۱} زیدیه در منابع روایی خود آیات زیادی در شأن حضرت علی(ع) و دفاع از وجود نص جلی بر خلافت و امامت ایشان تفسیر نموده‌اند.^{۴۲} تفسیر فرات کوفی، اثر ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات کوفی، از عالمان، محدثان و مفسران شیعی نیمه دوم سده سوم و اوایل سده چهارم هجری است که گزارشهایی درباره گرایش زیدی او وجود دارد. از سده چهارم قمری به بعد بسیاری از عالمان بزرگ شیعه، فرات و تفسیرش را معتمد دانسته و از آن روایات زیادی را نقل کرده‌اند؛ از جمله آنها می‌توان به محمد بن حسن بن احمد بن ولید - از مشایخ صدوق در کتاب فضل زیاره الحسین - اشاره کرد که از ایشان حدیث نقل کرده است.^{۴۳}

همچنین محدثانی مانند علامه مجلسی^{۴۴} و شیخ حر عاملی،^{۴۵} فرات و روایاتش را در نهایت حسن

و اعتماد دانسته‌اند و عالمان دیگر هم، به تبع آنان، از تفسیر فرات بهره برده‌اند و از آن روایت کرده‌اند. آقابزرگ تهرانی درباره تفسیر فرات کوفی می‌نویسد: «شیخ صدوق به واسطه پدرش علی بن بابویه و به واسطه محدثانی چون حسن بن محمد بن سعید هاشمی در بسیاری از تألیفات خویش از تفسیر فرات روایت نقل کرده است».^{۴۶}

مراودات کلامی امامیه و زیدیه

علمای امامی و زیدی در موضوعات کلامی در طی سده‌های مختلف با هم مراودات علمی داشته‌اند. ایشان در مباحث کلان اعتقادی مانند توحید، معاد، نبوت، مرجعیت اهل بیت و لزوم تمسک به کتاب، عترت، امامت بلافصل حضرت علی(ع) و فرزندان ایشان اتفاق نظر دارند، ولی در مباحثی مانند صفات امام، شرایط امام، تعداد ائمه و مسائل مربوط به آن در برهه‌های مختلف تاریخ دیدگاه‌های متفاوتی داشته‌اند. یکی از بزرگان زیدی در سده سوم ناصر اطروش است. او آنچنان تحت تأثیر اندیشه‌های امامیه بود که برخی او را به شیعه امامیه نسبت دادند.^{۴۷} وی در مسح پا، احکام طلاق و ارث مانند امامیه فتوا داد. در زمان آل‌بویه قول به امامت مفضول را کنار گذاشت و درباره صحابه مانند شیعه امامیه عمل کرد.^{۴۸}

یکی از امامان زیدی قاسم رسی است؛ او درباره امامت، همانند شیعه امامی سخن گفته است؛ امامت را همانند نماز و روزه از فرایضی دانسته که از جانب خداوند نازل شده است.^{۴۹} ایشان، در واقع، شورایی یا موروثی بودن امامت را رد کرده و قائل به نص جلی درباره امامت حضرت علی(ع) و حصر آن در فرزندان حضرت فاطمه(س) شده

۴۶. الدرر، ج ۴، صص ۲۹۸ و ۲۹۹.

۴۷. اعیان الشیعه، ج ۵، ص ۱۸۱.

۴۸. الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۵۶.

۴۹. التجدید فی فکر الامامه عند الزیدیه، ص ۶۵.

۳۷. تاریخ خلیفه بن خیاط، ص ۲۱۷.

۳۸. تیسیر المطالب، ص ۱۹۴.

۳۹. مناقب الامام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب(ع)، صص ۱۳۶ و ۱۳۷.

۴۰. الاستنصار، ص ۲۰.

۴۱. الخصال، ص ۲۱۹.

۴۲. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۶.

۴۳. تفسیر فرات، صص ۴۰ و ۴۱.

۴۴. بحار الانوار، ج ۱، ص ۳۷.

۴۵. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۹۴.



در صورتی که عالمانه به آن پرداخته شود به خودی خود باعث تقویت یک اندیشه خواهد شد. زیدیه، بر خلاف شیعه، علم ائمه را اکتسابی می‌دانستند و بدون اقامه دلیل و برهان، سخنان ائمه را نمی‌پذیرفتند. حکم بن عتیبه در مراجعه به امام صادق(ع) در خصوص مسئله‌ای با امام اختلاف نظر یافت که امام صادق(ع) برای اثبات نظر خود به کتاب علی(ع) مراجعه نمودند و با نشان دادن عین مطلب در آن کتاب، خطاب به او گفتند این خط امام علی(ع) است که پیامبر اکرم(ص) آن را املا فرمودند.^{۵۶} این نوع ارتباط همواره با احترام ائمه به بزرگان زیدی همراه بود و به نوعی شاگردپروری بر ارتباط ائمه امامیه با علمای زیدیه حاکم بوده است.

از آنجا که در بغداد مناظره و محافل علمی مشترک زیدیه و امامیه، به‌ویژه بر سر درس استادان معتزلی رونق داشت، این دو گروه از تازه‌های اندیشه هم آگاهی می‌یافتند. مجلس صاحب بن عبّاد در ری نیز حکم چنین چیزی را داشت. گزارشهایی در خصوص مناظره عالمان زیدی و امامی در حضور امام صادق(ع) وجود دارد؛ از جمله مناظره‌ای که زراره و زید برگزار کرده‌اند.^{۵۷} همچنین درباره حضور یکی از زیدیان در محضر امام صادق(ع) و پیوستن او به امامیه گزارشی وجود دارد؛ بر پایه این گزارش، عبدالله بن نجاشی زیدی، با شنیدن سخنان عبدالله حسن بن محض قانع نشد و با میانجیگری عمّار بن عبدالحمید، یکی از علمای شیعه، خدمت امام صادق(ع) رسید و با شنیدن سخنان امام از زیدیان جدا شد و به امامیه گروید.^{۵۸}

آسیبهای عدم تعامل زیدیه و امامیه

گاه امامیه و زیدیه، از خویش‌تن‌داری و شکیبایی

است؛^{۵۹} وی برای مدعای خود به ادله‌های عقلی مانند قاعده لطف، دفع ضرر و وجوب شکر منعم و ادله‌های نقلی مانند حدیث ثقلین استناد کرده است.^{۶۰} قاسم رسی، به دلیل نوع نگاهی که به بحث امامت داشت، به‌عنوان آغازگر دوره نزدیکی زیدیه به امامیه دانسته می‌شود.

یحیی بن حسین بن قاسم رسی، معروف به امام هادی و از بزرگان زیدی عصر خود، از دیگر کسانی است که در نزدیک کردن اندیشه زیدیه به امامیه نقش داشته است. امام هادی با پذیرش نص بر امام علی(ع) و امام حسن(ع) و امام حسین(ع)^{۶۱} و تقیه^{۶۲} بیش از پیش زیدیه را به امامیه نزدیک کرد^{۶۳} و در کتاب تثبیت الامامه که در آن به مسئله خلافت و جانشینی پرداخته است، خلافت شیخین را با استدلال رد کرده است.

در جریان هم‌فکری و مناظره ابو جعفر محمد بن عبدالرحمن ابن قبه رازی (د ۳۱۹ق)، متکلم برجسته امامی، با یکی از متفکران زیدی هم‌عصرش که در ری می‌زیست، اندیشه‌های کلامی آنها پختگی و استواری یافت؛ ابن قبه^{۶۴} در جریان این مناسبات به حدی عالمانه و سنجیده سخن گفته است و نقدهای مخاطب را مفصل پاسخ داده که عالمی بزرگ چون شیخ صدوق، در نوشته‌های خود از آنها بهره برده است.

مناظرات امامیه و زیدیه و پویایی دو فرقه

همواره یکی از راههای گسترش و اشاعه مذهب یا فرهنگ و موضوع علمی، تبلیغ آن است. پاسخ‌گویی به شبهات و نقدهای طرف مقابل خود گونه‌ای هم‌فکری و کسب دانش به شمار می‌آید؛

۵۰. معتزله یمن، ص ۶۵.

۵۱. التجدید فی فکر الامامه عند الزیدیه، صص ۶۵ و ۶۷.

۵۲. معتزله یمن، ص ۱۸۶.

۵۳. الحیة السیاسیه و الفکریه للزیدیه فی المشرق الاسلامی، ص ۹۴.

۵۴. الزیدیه، ص ۱۲۰.

۵۵. کمال الدین و تمام النعمه، ص ۹۴.

۵۶. رجال النجاشی، ص ۳۶۰.

۵۷. الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۷۴.

۵۸. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۲۶۲.



چشم‌پوشی می‌کردند؛ در این صورت، بروز اختلاف و تنش در روابط، عدم تحمل همدیگر و سرانجام جایگزینی واگرایی به جای هم‌گرایی پیامد طبیعی رفتار دو گروه بود. در برخی موارد موضع‌گیریهای ائمه نسبت به زیدیه، به‌ویژه موضع‌گیری در برابر قیام آنها، باعث ایجاد خصومت‌هایی می‌شد به‌طوری که گروهی از زیدیه در مناظره با امام صادق (ع) نسبت به ایشان جسارت کردند و گفتند: «از قدیم ادعای مقامی را داشتید که سزاوار آن نبودید».^{۵۹} گزارشی در مورد کنیزان، از اصحاب امام باقر (ع) و امام صادق (ع)،^{۶۰} نقل شده است که وی از محضر امام باقر و امام صادق (ع) بهره می‌برده است.^{۶۱} اما مانند دیگر همراهانش در این مکتب ثابت‌قدم نبوده و گرایش‌هایی زیدی داشته است؛ محمد بن یحیی به او می‌گوید: چرا این قدر امام باقر (ع) را کوچک می‌شماری؟ در پاسخ گفت: زیرا از او چیزی شنیدم که به‌هیچ‌وجه دوست نمی‌دارم؛ از او شنیدم: «طبقات زمین به برکت محمد (ص) و عترتش (ع) گشوده می‌شود».^{۶۲} حکم بن عتیبه درباره پیروان امام باقر (ع) نقل کرده است: «آنان در زبان به خداوند و روز جزا اعتقاد دارند ولی در عمل ایمان ندارند».^{۶۳} این‌گونه موارد اختلاف که نتیجه تعصب بیجا است، در نهایت تقابل این دو فرقه را در پی داشت که باعث شد در برهه‌ای از تاریخ به جای هم‌گرایی مذهبی، شاهد واگرایی این دو فرقه باشیم.

گاه نیز زیدیه به دنبال تفرقه‌افکنی میان شیعیان امامی بودند؛ آنها با طرح مسائلی مانند صحت بیعت مسلمانان با خلیفه اول و دوم؛^{۶۴} و چرایی

اختلاف در مصداق امام در بین امامیه،^{۶۵} به اختلاف‌افکنی میان امامیه می‌پرداختند. لازم به ذکر است فرقه‌های مختلف زیدی بر حسب دیدگاه‌های مختلف خود، نوع نگاه به امامت و خلافت و ویژگی‌های امام، در ارتباط و تعامل با امامیه متفاوت بوده‌اند.

نتیجه‌گیری

امامیه و زیدیه به‌عنوان دو شاخه مهم شیعی با هم تعاملات علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی متفاوتی داشته‌اند. نتیجه مراجعه علمی علمای زیدی به ائمه امامیه هم‌زیستی مسالمت‌آمیز میان پیروان آنها بود. در آغاز اختلاف نظر میان علمای این دو گروه، در قالب پرسش و پاسخ‌های علمی بود، ولی با افزایش اختلافات و تنشها میان ایشان و کاهش مراودات علمی، شاهد واگرایی آنها هستیم. آنگاه که این دو فرقه مهم شیعه با هم تعامل علمی داشته‌اند، بازار علم و دانش ایشان رونق داشت و هرگاه این روابط به سردی گراییده هر دو گروه زیان دیده‌اند. این دو فرقه از منابع مختلف روایی و کلامی یکدیگر بهره برده‌اند و در برخی مواقع این نزدیکی و دادوستد علمی باعث نزدیکی دیدگاه‌های آنها در مباحث تفسیری، روایی و کلامی آنها به یکدیگر شده است.

تعامل علمی و فرهنگی به معنای ترویج فرهنگ گفتگوی صحیح، منطقی و سازنده بر اساس اصول و مبانی مشترک با هدف درک متقابل و استفاده از ظرفیتهای یکدیگر به منظور دستیابی به رشد علمی و فرهنگی است که امروزه این مهم برای تمامی فرقه‌های اسلام لازم و ضروری است و تحقق چنین فضایی باعث تقویت و رشد مسلمانان و پایان یافتن تفرقه، نزاع و خون‌ریزی خواهد شد.

۵۹. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۵۶.

۶۰. التحریف، ج ۱، صص ۱۵ و ۴۲.

۶۱. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۶۹؛ تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۳۰۰.

۶۲. الغارات، ج ۲، ص ۷۶۰.

۶۳. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۴۵۳.

۶۴. فرق الشیعه، ص ۱۳.

۶۵. بصائر الدرجات، ص ۲۷۹.

- آقابزرگ تهرانی، محسن بن علی، الذریعه الى تصانیف الشیعه، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران، کتابچی، ۱۳۷۷ش.
- همو، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ق.
- همو، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، لسان المیزان، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ۱۳۹۰ق.
- ابن داود حلّی، حسن بن علی، رجال، قم، منشورات الرضی، ۱۳۹۲ق.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، نجف، مکتبه الحیدریه، ۱۳۷۶ق.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، مقاتل الطالبیین، قم، دارالکتب، ۱۳۸۵ش.
- اردبیلی، محمد بن علی، جامع الرواة، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۰ش.
- امین، سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
- امینی، عبدالحسین، الغدیر، ترجمه جلال‌الدین فارسی، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۶۸ش.
- انصاری قمی، حسن، «ابن الشرفیه و کتاب عیون الحکم و المواعظ»، مجله کتاب ماه دین، شماره ۱۱، ۱۳۷۹ش.
- همو، «تصحیح یک سند در آثار صدوق»، مجله کتاب ماه دین، شماره ۴۹ و ۵۰، آبان ۱۳۸۰ش.
- برقی، احمد بن محمد، التحریف، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ش.
- تقفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،
- ۱۳۷۱ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البتیت (ع)، ۱۴۱۴ق.
- حسنی، احمد بن ابراهیم، المصابیح، عمان، مؤسسه زید بن علی، ۱۴۲۲ق.
- خلیفه بن خیاط، تاریخ خلیفه بن خیاط، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- زید، علی محمد، معتزله یمن، بیروت، دارالعودة، ۱۹۸۱م.
- شوقی ابراهیم عمرجی، احمد، الحیاة السیاسیة و الفکرية للزیدیه فی المشرق الاسلامی، قاهره، مکتبه مدبولی، ۲۰۰۰م.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، بیروت، دارالصعب، ۱۴۰۶ق.
- شهید اول، محمد بن مکی، ذکر الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البتیت (ع)، ۱۴۱۹ق.
- صبحی، احمد محمود، الزیدیه، بیروت، دارالنهضة العربیة، ۱۴۱۳ق.
- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ق.
- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، قم، مؤسسه آل‌البتیت (ع)، ۱۴۰۴ق.
- همو، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
- غلیس، اشواق احمد مهدی، التجدید فی فکر الامامه عند الزیدیه، قاهره، مکتبه مدبولی، ۱۴۱۷ق.
- فاسی، محمد بن احمد، العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
- فرات کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ق.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، نجف، چاپ



- طیب موسوی جزائری، ۱۳۸۷ق.
- بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- کراچکی، محمد بن علی، الاستنصار فی النص علی
الائمة الاطهار، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵ق.
- کاشی، محمد بن عمر، معرفة الرجال، مشهد، دانشگاه
مشهد، ۱۳۴۸ش.
- کلبی، اتان، کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار
او، ترجمه سید علی قرائی و رسول جعفریان، قم،
کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۱ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه و شرح
جواد مصطفوی، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامی،
۱۳۶۹ش.
- کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب الامام امیرالمؤمنین
علی بن ابی طالب (ع)، قم، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة،
۱۴۱۲ق.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار،
بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- مفید، محمد بن محمد، الارشاد، قم، سرور، ۱۳۸۸ق.
- ناصر اطروش، حسن بن علی، البساط، صعده، مکتبه
التراث الاسلامی، ۱۴۱۸ق.
- نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم، دفتر
انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
- نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، نجف، مکتبه
المرتضویة، ۱۳۵۵ق.
- همدانی، عبدالجبار بن احمد، تثبیت دلائل النبوه،
قاهره، دارالمصطفی، ۱۴۱۵ق.
- یحیی بن حسین، تیسیر المطالب فی امالی ابی طالب،
صنعا، مؤسسة الامام زید بن علی، ۱۴۲۲ق.

